

با آنکه متن سخنرانی مزبور در راهنمایی کتاب چاپ شده است نظر
به اینکه خواهانیم تا همه سخنرانهای هفته ایران باستان تا آنجا که
مقدور است در نشریه انجمن چاپ شود با کسب اجازه از سخنران
محترم در اینجا نیز درج میشود .
انجمن فرهنگی ایران باستان

ترجمه های شاهنامه

متن خطابه ای است که در مراسم هفته ایران
باستان (خرداد ۱۳۴۸) که انجمن فرهنگ
ایران باستان ترتیب داده بود خوانده شد .

فردوسی دوستان گرامی
پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کمان می کنم هراد بانیان ارجمند هفته ایران باستان از عنوان انتخابی درباره
ترجمه های شاهنامه معرفی شبکه نقل علمی و مستندان کتاب استوار در زبانهای مختلف
و نمایش جاودانگی هنر فردوسی در میان اقوام و ملل دیگر است .

بهمین ملاحظه مطالبی که در این محضر شریف عرض شدنی باشد مقداری نام
اشخاص و تعدادی سنت و رقم خواهد بود . و البته مالال انگیز . سخنی مستقیم از
فردوسی و هنر پایدار او در میان نیست تا از سحر سخن شاعر شعر آفرین لذت ببریم .
مردم غیر فارسی زبان جهان به استثنای عده ای از خاورشناسان حماسه قومی و

ملی ایرانیان را از راه ترجمه‌هایی که از آن اثر بلند و جاودانه شده است شناخته‌اند . آوازه فردوسی از شهرتوس همراه با شوقها و کوششهای کسانی که شاهنامه را در طی هشتصد سال از زبان فارسی ویا از زبانهای رومی به زبانهای خود نقل کرده‌اند در سرزمینهای آسیایی دور و کشورهای اروپایی و امریکایی گسترده شد . در مدت هزار سال که از پی انگندن کاخ شاهنامه می‌گذرد ، آن را بصورت کامل یا ناقص یا مختصر شده به بیست و شش زبان مهم جهان نقل و ترجمه کرده‌اند . بعضی از این ترجمه‌های کامل یا ناقص یا مختصر شده از زبان اصلی شاهنامه به زبان دیگر در آمده است . مثل ترجمه مشهور موهل . بعضی هم از روی زبان دوم ، مثل نقل شاعرانه مائوآرنلد . طبعاً این ترجمه‌های متعدد در يك دسته همسنگ نیست .

این زبانها تا آنجا که احصاء کردم عبارت است از آلمانی ، اردو ، ارمنی ، انگلیسی ، اوزبکی ، اوکرائی ، ایتالیایی ، بنگالی ، پشتو ، ترکی ، چکی ، دانمارکی ، روسی ، ژاپونی ، سربی ، سوئدی ، عبری ، عربی ، فرانسوی ، کردی ، گجراتی ، لاتینی ، لهستانی ، مجاری ، هندی ، برای اختصار در گفتار با بر شمردن يك يك ترجمه‌ها و نام مترجمان رنج شنیدن را زیاد نمی‌کنم ، تا آنجا که اطلاع دارم اولین ترجمه‌ای که از شاهنامه تهیه شد حدود دوست سال پس از تألیف آن کتاب و به زبان عربی بود . این ترجمه اکنون موجود است و چاپ شده است . مترجم آن فتح‌بن علی بنداری است . او میان سالهای ۶۱۵ تا ۶۲۴ چنین خدمت ارزشمند را در باب شاهنامه کرد و حماسه ملی ایرانیان را بر اعراب شناساند ،

از حیث قدمت ، دومین ترجمه‌ای که می‌شناسیم ترجمه ترکی است و مربوط می‌شود به دوست و پنجاه سال پس از ترجمه عربی در زبان ترکی اعماز ترکی جغتائی و ترکی استانبولی و ترکی قفقازی چند ترجمه هست که همه قدیم نیست . آنکه قدیم است و بدان اشاره

شد به قتر و از سال ۸۵۴ هجری است . ترجمه دیگری که نسخه خطی آن در کتابخانه ملی پاریس هست از آن قرن یازدهم هجری شناخته شده . ترجمه های منظوم و مخلص نیز به ترکی کار دوره ممالیک به دست آمده است که زایاچکوسکی ترک شناس مشهور لهستانی آن را سه سال پیش بصورت فاکسیله منتشر ساخت . از ترجمه های ترکی قفقازی و استانیولی بعدیاد می کنیم ،

ترجمه های شاهنامه در زبانهای اروپایی بیش از ترجمه هایی که در زبان های آسیایی است انتشار یافته و مورد قبول واقع شده است . سبب این امر اهمیت ترجمه های اروپایی است که اکثراً به دست آشنایان با ادبیات فارسی ، یعنی با اصطلاح خاورشناسان نقل شده است . این دسته از ترجمه ها معرف فردوسی واقع شد و مترجمانی که کار را با جنیه ادبی ممزوج کرده اند توفیق بیشتری یافته اند . مثل دونکرت یا انکینسون . معرفی ترجمه هایی که در این زبانها موجود است به ترتیب ذیل خلاصه شدنی است .

قدیمیترین ترجمه اروپایی شاهنامه . جزئی از آن کتاب است که در سال ۱۷۷۸ میلادی به لاتینی در شهر وین جزء منتخبات اشعار فارسی نشر شد . اما پیش از آن نام فردوسی در کتاب سیاحان اروپایی آمده بود . شاردن و اولتاریوس وعده ای دیگر از شاعر در سفرنامه های خود یاد کرده بودند .

پس از ترجمه لاتینی قدمت ترجمه های شاهنامه بدین وضع است : انگلیسی ، فرانسوی ، آلمانی ، روسی ، هندی ، ایتالیایی ، مجاری ، گرجی ، ارمنی و اوکرائنی که همه قبل از قرن بیستم در دسترس قرار گرفته است .

در زبان انگلیسی ، بیش از زبانهای دیگر از شاهنامه منقولات و ترجمه در

شایسته گفتن است که نخستین بار متن فارسی جلد اول شاهنامه توسط يك خاورشناس انگلیسی بنام لمسدن **M. Lumisden** در کلکته بسال ۱۸۱۱ چاپ شد . ولی ترجمه جلد اول بیست و شش سال قبل از آن تاریخ توسط انگلیسی دیگری بنام **J. Champion** در ۱۷۸۵ میلادی در همان شهر کلکته نشر شده بود . بجز این شخص ، بیست و هفت انگلیسی دیگر که اغلب مستشرق بوده اند بترجمه قطعات شاهنامه پرداخته اند .

مانند :

G. Warner, A. Jackson, S. Robinson, H. Zimmermann, J. A. Atkinson

(که ترجمه کامل شاهنامه را در نه مجلد در دسترس انگلیسی زبانان گذاشت) .
R. Levy, E. G. Browne از میان ترجمه های انگلیسی قصه رستم و سهراب که اتکینسون در سال ۱۸۱۴ انتشار داده بود شهرت بسیار یافت ، تا آنجا که شاعر مشهور انگلیسی ماثیو آرنلد **M. Arnold** را برانگیخت که آن قصه زیبا و شاهکار را به شعر انگلیسی نقل کند . منوچهر امیری اثر آرنلد را به فارسی نقل کرده و عجیب است که ضبط نام آن در « کتاب شناسی فردوسی » فوت شده است .

آخرین نوشته ای که از شاهنامه در زبان فارسی انتشار یافت ترجمه مخلص روبن لوی ایرانشناس اخیر و متوفای انگلیسی است که دو سال پیش از این در « سلسله میراث ادبی ایران » از کارهای مشترک یونسکو و بنگاه ترجمه و نشر کتاب به مشتاقان هدیه گردید .

در زبان فرانسوی ، ده ایرانشناس شاهنامه ، قطعاتی از آن را ترجمه کرده اند . ترجمه مشهور و کامل اثر ژول موهل **J. Mohl** آلمانی نژاد است . این خاورشناس قصه پهلوانان تاریخی و حماسه قومی ما را برای پادشاه فرانسه ترجمه کرد و کتابش با متن اثر بصورت شاهانه نشر گردید . امتیاز نگار موهل بر دیگر ترجمانهای شاهنامه در این است او ابتدا در پیراستن متن بر اساس نسخ خطی پرداخت و متن آراسته و مسنفع شده را که

که هنوز هم یکی از بهترین طبعهای شاهنامه است مبنای ترجمه خود قرارداد ترجمه موهل در هفت مجلد سلطانی از سال ۱۸۳۸ بیعہ نشر شد. ترجمه موهل از ترجمه‌هایی است که اعتبارش پایدار مانده است و در مراجعات تحقیقی بدان اشاره میشود.

در زبان آلمانی هجده نفر به ترجمه شاهنامه دست زده‌اند، ترجمه‌های کامل یا مختصر، نخستین بار در سال ۱۷۹۳ میلادی S.F. Wahl ملخصی از قصص شاهنامه را بر آلمانی زبانان عرضه کرد. از معاریفی که شاهنامه را بزبان آلمانی نقل کرده‌اند هامرپورگشتال مستشرق اطریشی روکرت و هرمان انه مستشرقان آلمانی را باید نام برد.

اما ترجمه اساسی از آن J. Gorres است. او در سال ۱۸۲۰ بدین کار عظیم پرداخت و ترجمه شاهنامه را در دو مجلد انتشار داد آخرین ترجمه‌ای که یکصد صحیفه از آن دو سال پیش از این انتشار یافت کار ایرانشناس نسبتاً جوانی است بنام H. Kanus. Crdé که پانزده سال پیش دانشجوی ادبیات فارسی در دانشکاه تهران بود.

در زبان روسی از سال ۱۸۱۵ به ترجمه شاهنامه پرداخته‌اند. ولی هیچ یک از ترجمه‌های قرن نوزدهم کامل نبود؛ تا اینکه از سال ۱۹۵۷ ترجمه جدید و کامل شاهنامه با همکاری ابوالقاسم لاهوتی که خود شاعر فارسی زبان بود و استاریکف که ایرانشناسی متخصص در کار شاهنامه بود آغاز شد و به اتمام رسید.

در زبان ایتالیایی خاورشناس مشهور قرن نوزدهم I. Pizzi شاهنامه را ترجمه کرد و آن را بجز مجموعه کاملی که در هشت جلد نشر شده در چند صورت ملخص و منتخب نیز بچاپ رسانیده است.

ترجمه ترکی (اسلامبولی) توسط نجاتی لوغال در ۱۹۴۵ به خط لاتینی نشر شده است. سه ترجمه‌ای که در ترکی قفقازی شده منحصرأ قصه‌هایی است از شاهنامه که

میان سالهای ۱۹۰۶ تا ۱۹۲۸ به چاپ رسیده است . مردم اران قرنهای متمادی شاهنامه را به زبان فارسی می خوانده اند و همان طور لذت می برده اند که از نظامی و خاقانی ، و طبعاً احتیاجی به ترجمه آن نداشته اند . ترجمه های ترکی بیشتر برای اقوام ترك نژادی بوده است که در آسیای مرکزی می زیسته اند .

در زبان ارمنی بعضی قطعات و قصه های شاهنامه انتشار یافته و مفصل ترین ترجمه آن است که بمناسبت جشن هزاره فردوسی در شهر ایروان نشر شده است . ولی بیش از يك دهم آن اثر بزرگ نیست .

در زبانهای ممالک اسکانندیناوی ترجمه دانمارکی قابل توجه است . زیرا ایرانشناسی به مقام و منزلت کرسین سن چکیده ای از آن یکی از دوستان اران واقعی ادبیات فارسی عرضه شده و ترجمه ای است غیر مستقیم که آن را از روی ترجمه لاتینی به زبان مادری خود نقل کرده است .

محققان ایرانشناس بنامی که در گذشته به ترجمه قسمت هایی از شاهنامه دست برده اند عبارتند از :

هامرپور گشتال ، روگرت ، اته ، چکسن ، ادوارد براون ، روبن لوی ، پیتزی کرسین سن ، ژوکوفسکی ، ژول موهل ، رینو ، بریکنو . از آنها که در قید حیاتند و با شاهنامه روزگار گذرانیده اند و می گذرانند نام آربری (انگلیسی) ، کانوس کرده (آلمان) ، کورویانکی (ژاپن) قابل ذکر است .

بنابر احصای نسبتاً کامل ، ترجمه هایی که از شاهنامه در بیست و شش زبان شده قریب یکصد و هشتاد بار به چاپ رسیده است و نزدیک به یکصد و پنجاه خاورشناس و مترجم ادبی معرف و ناقل شاهنامه به آن زبانها برده اند با اینکه حدود دو بیست سال است که مضامین این متن گرانقدر در حوزه های علمی اروپا نقل شده است و نزدیک دو بیست دانشمند از میان مغربیان به تحقیق و تجسس در این اثر پرداخته اند بدون تردید هنوز

این مجموعه جاودانی بدان صورت و شأن که باید به هیچ يك از زبانها برگردانیده نشده و ترجمان و هنر آفرینی نیامده است که عواطف و احساسات فردوسی را به همان طرز و زبان سحرانگیز شاعر در زبانی دیگر منعکس سازد.

ترجمه کاری است هنری و دشوار علی الخصوص در نقل کاخ بلندی چون

شاهنامه .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی